



درس اول: هدف آفرینش

ملکیم بودن خداوند
 حق بودن آفرینش و هدفمندی و برنامه حساب شده
 عدم بیهودگی و لغو نبودن آفرینش موجودات

"وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ مَا خَلَقْنَا هُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ"
 معلول علت

- ۱- بازی و سرگرمی نبودن آفرینش و عدم بیهودگی آن (لاعبین)
- ۲- هدفمندی خلقت و حضور هدفی حکیمانه در پس خلقت هر موجود (حق)

امام علی (ع): "هیچ کس بیهوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای لغو کند و او را به خود وا نگذاشته تا به کارهای لغو و بی ارزش بپردازد." ← لاعبین

نکته + : اگر در هر آیه‌ای برای پیروی، کلمات حق، باطل، عبث به کار رفت : الف) حضور حکمت الهی ب) هدفمندی و عدم بیهودگی آن پیروز
 حق باطل، عبث، لاعبین

* تفاوت رسیدن انسان به اهدافش با گیاهان و حیوانات:

۱- انسان ← خود اهداف را انتخاب می‌کند، گیاهان ← طبیعی، حیوانات ← غریزی

۲- بی‌نهایت طلبی انسان ← به دنبال اهداف پایان ناپذیر باشد. حیوانات و گیاهان ← اهداف محدود دارند که به سر حد کمال برسد پایان می‌یابد.

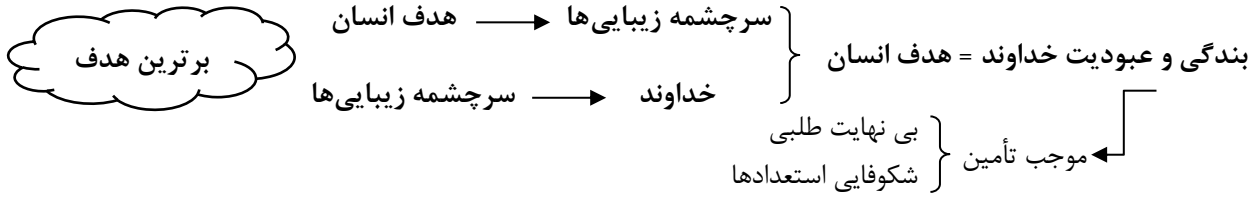
۳- اهداف انسان در جهت به کمال رساندن استعدادهای متنوع مادی و معنوی اوست.

نکته : منشأ افتلاف در اهداف انسان‌ها، نوع بینش و نگرش آنهاست.

* برای انتخاب هدف صحیح : الف) ارزش اهداف مشخص شود. ب) رتبه‌بندی گردند ← به‌دست آوردن معیار و ملاک برای تشخیص هدف درست

- اهداف فرعی ← پایان پذیر ← مال و ثروت
- اهداف اصلی ← پایان ناپذیر ← خیر خواهی

نکته : هدف فرعی را نباید به جای هدف اصلی قرار دهیم (هدف فرعی)



"چون که صد آمد نود هم پیش ماست" ← با یک تیر چند نشان زدن

* افراد زیرک ← با بندگی خدا ← از بهره‌های مادی زندگی استفاده می‌کنند
 ← سرای آخرت خویش را آباد می‌کنند.

"مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ" ← راه رسیدن به آن
 "قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي"

۱- هر چه هدف جامع‌تر ← در برگیری اهداف بیشتر

۲- رسیدن به خدا موجب تحقق تمام اهداف دنیوی و اخروی است ← زیرا سرچشمه همه‌ی کمالات است.

ای دوست شکر بهتر یا آنکه شکر سازد خوبی قمر بهتر یا آنکه قمر سازد
 محکم می‌طلبید رسیدن به خدا همت بزرگ و اراده

ای باغ تویی خوش تر یا گلشن و گل در تو یا آن که بر آرد گل، صد نرگس تر سازد

ای عقل تو به باشی در دانش و در پیشش یا آنکه به هر لحظه صد عقل و نظر سازد

درس دوم: پرپرواز

- اولین گام برای حرکت به سمت هدف خلقت ← شناخت سرمایه‌ها و موانع انسان است. (علت)

- خودشناسی از سودمندترین دانش‌هاست (معلول)

سرمایه‌های انسان

خداوند با دادن نعمت‌های مادی و معنوی به انسان ← او را گرامی داشته و به او کرامت بخشیده است.
 آنچه در آسمان و زمین است برای انسان آفریده است.

= جایگاه ویژه انسان

- ۱- قوه عقل
 - تشخیص راه درست از غلط
 - حقایق را دریابیم و از جهل دوری کنیم
 - مسخره نکردن نماز و جلوگیری از رفتن به دوزخ
 - منع از خوشی‌های زودگذر ← با دوراندیشی
- ۲- قوه اختیار
 - مسئولیت در مقابل سرنوشت
 - برگزیدن راه رستگاری و دوری از شقاوت (با کمک قوه عقل)
- ۳- گرایش به نیکی
 - شناخت و روی آوردن به نیکی و شناخت و دوری از بدی
 - دوست داشتن فضائل و بیزاری از رذائل
- ۴- نفس لوامه = وجدان
 - واکنش در مقابل گناه ← که عامل آن گرایش به نیکی است
 - سرزنش و ملامت خود بعد از ارتکاب گناه
 - در اندیشه جبران برآمدن
 - بازداری از راحت طلبی ← با محکمه هایش
- ۵- فرستادگان
 - پیامبران - پیشوایان - کتاب
 - نشان دادن راه سعادت
 - کمک در پیمودن راه حق

"إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا"

"وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا"

شناخت بدی و خوبی
 انتسایبی است، نه کسبی

"وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ"

"رُسُلًا مَّبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ..."
 "وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ"

نکته: هدف و مسیر حرکت هر کس با توانایی‌ها و سرمایه‌هایش هماهنگی دارد. ← هدف ما باید به وسعت سرمایه‌هایمان باشد

موانع انسان

- ۱- نفس اماره
 - عامل درونی گناه و میل سرکش انسان
 - دعوت به گناه ← برای خوشی‌های زودگذر
 - کار ← مانع پیروی از عقل و وجدان
- ۲- شیطان
 - عامل بیرونی گناه
 - خود را برتر از آدمیان می‌پندارد
 - فریب فرزندان آدم
 - سوگند او ← جلوگیری از رسیدن آن‌ها به بهشت
 - کار و راه نفوذ ← وسوسه کردن و فریب دادن انسان
 - راه‌های فریب ← غافل کردن از خدا و یاد او
 - زیبا و لذت‌بخش نشان دادن گناه
 - ایجاد کینه و دشمنی میان مردم ← با شراب و قمار

نکات مکالمه‌ی جهنمیان و شیطان در روز قیامت:

۱- خداوند به شما وعده‌ی حق داد، اما من به شما وعده‌ای دادم و خلاف آن عمل کردم.

۲- من بر شما تسلطی نداشتم (اختیار انسان) ← شیطان تنها دعوت کننده است.

۳- نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید. ← عدم وجود اختیار در قیامت

درس سوم: پنجره‌ای به روشنایی

* چيستی مرگ و آینده انسان پس از آن، از پرسش‌های فراگیری است که ذهن عموم انسان‌ها را مشغول خود کرده است.

(۱) اعتقاد به معاد

- بعد جسمانی (غیر مجرد) ← تغییر و دگرگونی دارد - فرسوده و متلاشی می‌شود
- بعد روحانی (مجرد) ← تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد - متلاشی نمی‌شود - آگاهی خود را از دست نمی‌دهد
- مرگ غروبی برای جسم و طلوعی درخشان‌تر برای روح است.
- رسول خدا (ص):

* برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ از جهانی به جهان دیگر منتقل می‌شوید.

* باهوش‌ترین مؤمنان کسانی هستند که فراوان به یاد مرگ‌اند و خود را بهتر از دیگران برای آن آماده می‌کنند.

* "النَّاسِ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا، انْتَبَهُوا" ← بی‌ارزشی دنیا در مقابل سرای حقیقی آخرت # "وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ"
 علت معلول

حرف منکرین معاد

"وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُمْ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ"

۱- دنیا ← بازی و سرگرمی، آخرت ← سرای راستین و حقیقی

۲- بهترین مقایسه‌ی قرآنی و ملکوتی در مورد دنیا و آخرت ← دعوت قرآن به تفکر در منکرین معاد

پیامدهای این دیدگاه

الف) ایجاد شور و نشاط و انگیزه‌ی کار و فعالیت - داشتن انرژی فوق العاده و همت خستگی ناپذیر - تلاش و توان بسیار برای خدمت به خلق خدا (زیرا می‌داند هر چه در این راه پیش رود آخرتش زیباتر است) - اعتقاد به آن که هیچ کاری بی پاداش نمی‌ماند (حتی اگر آن کار به چشم کسی نیاید)

"مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ"
 علت توحید عملی معلول

ب) نترسیدن از مرگ و آمادگی برای فداکاری در راه خدا ← شجاعت به مرحله‌ی عالی خود می‌رسد و فداکاری در راه خدا ضروری می‌شود.

* امام حسین (ع):

- من مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی‌بینم.

- برگ پُلی است که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های پهناور و نعمت‌های جاوید عبور می‌دهد. پس کدام از شما کراهت دارد
 معلول علت

از زندان به قصر منتقل شود. ← در ارتباط با آیه لهو و لعب و حیوان

(۲) انکار معاد

- حقیقت انسان جسم و تن اوست. - مرگ پایان زندگی و با آن پرونده اعمال بسته و انسان رهسپار نیستی می‌شود.

"وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ"
 نظام زاد و ولد

۱- یکی از جلوه‌های انکار معاد، محدود دانستن حیات آدمی به زندگی دنیاست. ← انکار معاد جسمانی

۲- مرگ، پایان آدمی و عامل بسته شدن پرونده زندگی انسان است. (دیدگاه منکران)

۳- علم اندوزی از عوامل اعتقاد به معاد و تکیه بر شک و گمان و عقاید خرافی عامل انکار معاد می‌باشد.

پیامدهای این دیدگاه

الف) پیش گرفتن راه غفلت از مرگ و سرگرم کردن خود به هر کاری برای فراموش کردن آینده تلخ مرگ ← به خاطر میل به جاودانگی

ب) گروهی که نمی‌توانند فکر مرگ را فراموش کنند:

- بی ارزش شدن زندگی چند روزه‌ی دنیا

- کناره‌گیری از دیگران و دچار شدن به انواع بیماری‌های روحی - قدم گذاشتن در راه‌هایی برای تسکین خود، که بر سرگردانی آن‌ها می‌افزاید.

نکته: این پیامدها دامان کسانی که اعتقاد قلبی به معاد ندارند را می‌گیرد. ← فرو رفتن در هوس‌ها (علت) و معبود گرفتن دنیا غفلت از یاد آخرت است.

درس چهارم: آینده روشن

پیامبران، با قاطعیت از آن خبر و نسبت به آن هشدار داده‌اند.
 بعد از ایمان به خدا ایمان به آخرت مطرح شده (لازمه ایمان به خدا) ← "مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ..."
 بعد از توحید بیشترین صحبت در قرآن، در مورد معاد است
 "اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَ بَيْنَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَضْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا"
 توحید معاد جسمانی رفع هر گونه شک اثبات وجود معاد با تکیه بر صداقت خدا
 و روحانی در مورد معاد

الف) امکان معاد

- یکی از دلایل انکار معاد ← مقایسه‌ی قدرت خود با خداوند و بعید شمردن آن ← بعید بودن چیزی برای انسان دلیل غیر ممکن بودن آن نیست
 - دلایل اثبات امکان معاد (زنده شدن مجدد جسم):

"اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَ بَيْنَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَضْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا"

۱- اشاره به پیدایش نخستین انسان

« و برای ما مثالی زد، در حالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود، گفت: کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که برای نخستین بار آفرید و او به هر خلقی تواناست.»

۲- اشاره به نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان ← برای محسوس‌تر نشان دادن قدرت خدا در امر امکان معاد

- عزیز نبی (ع): می‌دانم خدا پر هر کاری تواناست
 - قرآن کریم: نه تنها استخوان‌های آن‌ها را به حالت اول در می‌آوریم بلکه سر انگشتان آن‌ها را نیز همان گونه که بوده، مجدداً خلق می‌کنیم.

۳- اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت ← "وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ" و "لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا"

- زندگی بعد از مرگ به عنوان یک جریان رایج در جهان طبیعت معرفی شده است ← دستور قرآن به مطالعه این جریان
 - فرا رسیدن بهار، رستاخیز طبیعت است

- قرآن کریم: خداست که بادها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزد. سپس آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم.....

ضرورت معاد در پرتوی حکمت الهی
 محال نبودن آن
 عبتا - باطلا - حق
 حکمت خداوند ← قرار دادن تمایلات در انسان و پیش‌بینی راه‌های پاسخ‌گویی به آن تمایلات، بجز میل به جاودانگی
 دوری از کار عبث و بیهوده
 پس اگر سرای آخرتی نباشد که پاسخ این دو میل داده شود بر حکمت خدا ایراد وارد می‌شود. نمی‌شود این همه استعدادی که خداوند در وجودمان گذاشته بی‌جواب بماند.
 "أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ"
 واقعه‌ی قیامت

*** ضرورت معاد در پرتوی عدل الهی**

هر آیه‌ای که بحث از عدالت الهی باشد مانند: "و هم لا یظلمون"
 * عادل یکی از صفات خداوند ← استواری جهان بر پایه‌ی عدل = استحقاق هر شخص
 * تحقق عدل الهی در زندگی دنیا امکان‌پذیر نیست، زیرا:
 الف: همه در این دنیا به پاداش و جزای اعمال خود نمی‌رسند.
 ب: دنیا ظرفیت ادای پاداش و کیفر انسان‌ها را ندارد.
 "أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ"

درس پنجم: منزلگاه بعد

برزخ
 در لغت: حد فاصل، در بینش دینی: عالم میان دنیا و آخرت
 ویژگی‌ها: وجود حیات ← ادامه فعالیت آگاهانه روح ← جسم در دنیا می‌ماند = توفی
 افزایش شعور و آگاهی { صحبت با فرشتگان
 سخن پیامبر به کشته شدگان جنگ بدر }
 ارتباط دنیا و برزخ { باز بودن پرونده عمل
 دریافت پاداش خیرات بازماندگان
 ارتباط متوفی با خانواده }
 زیرا { عامل شعور روح است
 روح به حیات خود ادامه می‌دهد }

" حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ "

- ۱- با تحقق توفی (ویژگی ۱) گرچه فعالیت جسم متوقف می‌شود اما فعالیت آگاهانه روح ادامه می‌یابد و آدمی به کاستی‌های اعمال خود آگاه می‌شود.
- (ویژگی ۲) ← درخواست به بازگشت به دنیا
- ۲- فرق دنیا و برزخ ← ۱. امکان بازگشت نیست ۲. در برزخ انسان توانایی انجام عمل صالح جدید را ندارد
- ۳- حد فاصل دنیا و برزخ ← ۴- روز قیامت

* اعمال ما تقدم و ما تأخر ← عامل باز بودن پرونده اعمال (شباهت دنیا و برزخ)

گناهان ما تأخر: مد سازی‌های غلط، تولید و نشر مطالب نا مناسب، ایجاد آداب و رسوم غلط در ازدواج، ایجاد انحرافات فکری و اخلاقی در دیگران

* رسول خدا (ص): «هر کس سنت و روش نیکی در جامعه جاری سازد... بدون اینکه از اجر انجام دهنده‌ی آن کم کنند و هر کس سنت زشتی بین مردم مرسوم کند... بدون اینکه از گناه عامل آن، کم کنند»

" يَنْبَأُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ " ← ویژگی ۳ برزخ
قیامت ← دادن نامه اعمال

* برزخ در کلام پیشوایان

- رسول خدا (ص): قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان (مردگان) به این کلام از شما شنواترند و فقط بر پاسخ دادن توانا نیستند ← دوره برزخ دوره‌ی آگاهی و هوشیاری بیشتر است. (ویژگی دوم برزخ)
- امام کاظم (ع): هر یک از مومنان بر حسب مقدار فضیلت‌ها (کمیت اعمال) به دیدار خانواده‌ی خود می‌آیند برخی هر روز و برخی هر دو روز، برخی هر سه روز، و کمترین آنها هر جمعه ← روح مومن در برزخ از احوال خانواده‌اش باخبر است. (ویژگی دوم برزخ)

درس ششم: واقعه‌ی بزرگ

الف) مرحله‌ی اول ← با پایان یافتن دنیا آغاز می‌گردد.

۱- شنیده شدن صدای مهیب } آسمان و زمین را فرا می‌گیرد

همه را غافلگیر می‌کند ← چون ناگهانی است

۲- مرگ اهل آسمان و زمین } برچیده شدن بساط حیات

جز آن‌ها که خداوند خواسته است

۳- تغییر در ساختار زمین و آسمان } تحول عظیم در زمین و آسمان ← شکل آسمان و زمین تبدیل می‌شود.

جبال، جبال، محیلاً } بی نور شدن خورشید } تیره شدن ستاره‌ها } درهم کوبیده شدن کوه‌ها
} متصل شدن دریاها به هم } زبانه کشیدن آتش از دریاها } تبدیل آسمان و زمین

الف) مرحله‌ی دوم ← آماده شدن انسان‌ها برای دریافت پاداش و کیفر

۱- زنده شدن همه انسان‌ها } بعد از شنیده شدن صدای مهیب دیگر

حیات مجدد انسان‌ها و حضور در پیشگاه الهی

وضعیت گناهکاران } به دنبال راه فرار

هراسان بودن دل‌هایشان

به زیر افکنده شدن چشم‌هایشان از ترس

۲- کنار رفتن پرده از حقایق عالم } با تابیدن نور حقیقت

اسرار و حقایق عالم آشکار می‌شود

واقعیت همه چیز (اعمال، رفتار، نیت) آشکار می‌گردد

حوادث تلخ و شیرین معلوم می‌گردد

۳- برپا شدن دادگاه عدل الهی

- با آماده شدن صحنه قیامت ← رسیدگی به اعمال آغاز می‌شود

- اعمال در ترازوی عدل الهی سنجیده می‌شود ← حتی اگر ذره‌ای ناچیز باشد

- معیار و میزان سنجش اعمال ← پیامبران و امامان ← چون اعمالشان عین آن چیزی است که خداوند دستور داده است

ارزش افزون اعمال = نزدیک بودن به اعمال پیامبران و امامان

۴- دادن نامه اعمال ← نیکوکاران ← دست راست، بدکاران ← دست چپ

← نامه‌های دنیوی ← گزارش و تصویر اعمال

← نامه‌های اخروی ← خود عمل و حقیقت آن ← اعمال تجسم می‌شود

- کارهای خوب: صورت‌های زیبا و لذت‌بخش - کارهای بد: صورت‌های بسیار زشت و وحشت‌زا و آزار دهنده

۵- حضور شاهدان و گواهان ← با انکار نامه‌ی عمل توسط گناهکاران

الف) پیامبران و امامان ← بهترین شاهدان ← رسول خدا در رأس شاهدان

رناظر و شاهد اعمال انسان در دنیا بوده‌اند.

ب) فرشتگان الهی ← مراقب انسان‌ها

ثبت و ضبط اعمال

"وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ"

ج) اعضای بدن انسان ← با سوگند دروغ بدکاران برای رهایی از مهلکه

← با اذن خداوند به همراه مهر خاموشی بر دهان گناهکاران

← گفته گناهکاران به اعضای خود: چرا علیه ما شهادت می‌دهید؟

"الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ"

اندیشه و تحقیق

اعمال ما چه شاهدان دیگری در قیامت دارد؟ خدا شاهد اعمال ماست. پیامبران و امامان نیز شاهدند. فرشتگان و اعضای بدن شاهد دادگاه عدل الهی هستند. مطابق آیات قرآن، زمان و مکان، زمین و آسمان، خورشید و ماه و ستارگان و حتی قرآن، شاهدان دادگاه خداوند می‌باشند.

درس هفتم: فرجام کار

* بهشت

- نیکوکاران و رستگاران پس از پایان حسابرسی وارد آن می‌شوند.

- بهشت هشت در دارد ← یک در مخصوص پیامبران و صدیقان، یک در مخصوص شهیدان و الباقی برای گروه‌های دیگر

- فرشتگان به بهشتیان سلام می‌کنند و می‌گویند: «خوش آمدید، وارد شوید و برای همیشه در آن زندگی کنید»

- سپاس بهشتیان ← عملی شدن وعده‌ی خداوند ← عطا کردن بهشت به آن‌ها

- سپاس بهشتیان ← زدودن حزن و اندوه از آن‌ها و رسیدن به مقام خشنودی خدا (بالاترین نعمت بهشت) ← "فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ"

- هر یک از بهشتیان در درجه‌ی خاصی از بهشت‌اند.

- گفته بهشتیان: سبحان الله

- هیچ نقصان، اندوه، غصه ... در بهشت نیست ← سرای سلامتی (دار السلام)

- دوستان و همنشینان انسان ← پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران (نیکو همنشینان) ← فرشتگان هم نشین نیستند!!!

* جهنم

- دوزخیان گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند ← پس از محاکمه

- آتش جهنم از درون جان انسان‌ها شعله می‌کشد ← چون حاصل عمل خود آن‌هاست

- علل ناله حسرت دوزخیان:

۱. نماز نخواندن ۲. دستگیری نکردن از محرومان ۳. همراهی بدکاران در معصیت

۴. تکذیب روز رستاخیز ۵. عدم فرمانبرداری از خدا ۶. عدم انتخاب دوست مناسب

مکالمه‌ها:

۱- جهنمیان با خدا

الف: شقاوت بر ما چیره شد، ما مردمی گمراه بودیم ما را از اینجا بیرون بر که اگر بازگردیم عمل صالح انجام می‌دهیم.

ب: در دنیا مگر به اندازه‌ی کافی عمر ندادیم؟، اگر برگردید همان راه گذشته را در پیش می‌گیرید.

۲- شیطان با جهنمیان

الف: بزرگان ما و شیطان سبب گمراهی ما شدند.

ب: شیطان: «خدا به شما وعده ی راست داد ولی من به شما وعده ی دروغ دادم - من فقط شما را فراخواندم- خود را ملامت کنید.»

۳- جهنمیان و فرشتگان

الف: درخواست تخفیف از فرشتگان

اثبات کننده ی اختیار انسان در استفاده

ب: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ ← از هدایت الهی "إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ..."

* رابطه میان عمل و پاداش و کیفر

۱- قراردادی : مثال : هر کس مرتکب جرمی شود مطابق با قوانین جزایش مشخص می گردد (وصفی)
نکته : این قوانین قابل تغییراند و آنچه اهمیت دارد تناسب بین عمل و پاداش و کیفر است تا عدالت برقرار گردد

۲- محصول طبیعی خود عمل : مثال : سیگار کشیدن = بیماری

نکته : در این مورد پاداش و کیفر غیر قابل تغییراند و انسان می بایست خود را با آنها هماهنگ کند

۳- رابطه ی عینی و حقیقی یا تجسم اعمال } از تمام روابط عمیق تر و کامل تر است

خود عمل پاداش یا کیفر

ابعاد عمل { مادی و ظاهری ← از بین می برد

{ باطنی و غیبی ← در نفس و روح باقی می ماند

تجسم عمل در آخرت →

"إِنَّ الَّذِينَ يُكَلِّونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا"

عاقبت مخاطب آیه

ظاهر عمل در دنیا

* رسول خدا (ص):

بد بودن آن ← موجب وحشت انسان

نیک بودن آن ← موجب انس انسان

کردار انسان ← هم نشین انسان در رستاخیز

درس هشتم: آهنگ سفر

* سرنوشت ابدی انسان ها بر اساس رفتار آنان در دنیا تعیین می شود ← لزوم برنامه ریزی برای رسیدن به هدف خلقت

* برنامه ریزی : (۱) تصمیم و عزم برای حرکت (۲) عهد بستن با خدا (۳) مراقبت (۴) محاسبه و ارزیابی

۱- تصمیم و عزم برای حرکت

- عزم به معنای اراده و قصد است ← عملی ساختن انتخاب ها ← لتمان: و أصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور
- استواری بر هدف + شکیبایی و تحمل سختی = آثار عزم قوی
- عزم ضعیف : - تاب نیاوردن در برابر تندباد حوادث
- عزم قوی : - نسیردن سرنوشت به دست حوادث
- ▲ داستان زندگی پیامبران

امام کاظم (ع) : خدایا می دانم بهترین توشه مسافر کوی تو عزم و اراده ای است که با آن خواستار تو شده باشد.

۲- عهد بستن با خدا

- کسی که راه سعادت را انتخاب می کند ← با خداوند پیمان می بندد ← انجام واجبات و ترک محرمات

بندگی خداوند = رضایت خدا = راه سعادت

تایم بندی } عهد بستن ← بعد از نماز، شب های قدر، شب یا روز جمعه
تکرار عهد برای استحکام ← آخر هفته، آخر هر ماه، شب های قدر

۳- مراقبت

- وفای بر عهد ← رضایت خدا ، شکستن پیمان ← شرمندگی در برابر خدا

امام علی (ع) : گذشت ایام، آفاتی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم هاست.

معلول

علت

- کسی که با خدا عهد می بندد مراقب است :

الف- تصمیم خود را فراموش نکند
ب- عوامل سست کننده را دور کند

۴- محاسبه و ارزیابی

- ۱- میزان موفقیت به دست آید
 ۲- عوامل موفقیت یا عدم موفقیت معلوم شود
 - موفقیت در عهد ← سپاس‌گزاری از خدا (زیرا پشتیبان ما بوده است)

- سستی در عهد ← ۱- سرزنش خود ۲- طلب بخشش از خدا ۳- عهد بستن مجدد با خدا
 - پیامبر (ص): به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند.

تایم‌بندی } رسیدگی به کارها: هر شب، پایان هفته
 مرور برنامه: سالی یک بار (بهترین تایم شب‌های قدر است)

* امام علی (ع): زیرک‌ترین انسان‌ها ← کسی است که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

* ضرورت داشتن اسوه:

- ۱- به ما اثبات می‌کند راه انتخابی موفقیت‌آمیز است
 ۲- می‌توان از تجربه‌ی آنان در این راه استفاده کرد
 ۳- مهم‌ترین دلیل ضرورت ← می‌توان با کمک گرفتن از آن‌ها سریع‌تر به هدف رسید. ← عزم موجب آسان‌تر رسیدن به هدف

* رسول خدا بهترین الگوها ← "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ"

نکته ۱: اسوه بودن رسول خدا در مواردی است که همواره برای بشر فواید است (مانند برنامه‌ریزی و تقسیم زمان) ← نه در مورد مواردی که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کند.

نکته ۲: رسول خدا اسوه کامل است و ما باید در هر توان از ایشان پیروی کنیم.

نکته ۳: دفتر برنامه‌ریزی باید دارای بخش‌های معین باشد تا بتوان به راحتی آن‌ها را پیگیری کرد و در آن اصلاحات لازم را به عمل آورد.

اندیشه و تحقیق

چرا در میان موجودات فقط انسان ممکن است زمان هدر رفته داشته باشد؟ انسان دارای قدرت تفکر و تعقل و اختیار است: نسبت به دیگر موجودات هدف والاتری دارد و آن رسیدن به سعادت اخروی و تقرب الهی است؛ در نتیجه باید در زندگی برنامه‌ریزی داشته باشد یعنی هم به فکر دنیا باشد و هم به آخرت اهمیت دهد، اما برخی در اثر تنبلی و ندانم کاری، از فرصت‌هایشان به طور صحیح استفاده نمی‌کنند و اتلاف وقت می‌کنند.

درس نهم: دوستی با خدا

* محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیم‌ها و کارهای انسان است ← دلبستگی‌ها و محبت‌ها به زندگی جهت می‌دهد. بینش و نگرش اهداف را مشخص می‌کند

* امام علی (ع): ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست می‌دارد.

این نکته رمزگر بدانی، دانی
 هر چیزی که در جستن آنی، آنی

* محبت به خدا ← نتیجه‌ی ایمان به اوست ← "وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ"

- عشق و محبت الهی ← افسردگی، ترس و یأس را از بین می‌برد

محبت الهی ← تنبل را چالاک، بخیل را بخشنده، کم‌طاقت را صبور و خودخواهی را به ایثار تبدیل می‌کند

عشق به خدا ← چون اکسیر مرده را حیات بخشیده و زندگی حقیقی (الحیوان) را به وی عطا می‌کند

* امام صادق (ع): قلب انسان حرم خداست، در حرم خدا غیر از خدا را جا ندهید.

"وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ ..."

۱- مخاطب آیه کسانی هستند که در عشق و محبت به خدا شریک می‌گذارند (حرم دل را از غیر خدا جا می‌دهند)

۲- هر کس می‌خواهد قلبش را خانه خدا کند باید شیطان و امور شیطانی را از آن دور کند.

* راه‌های افزایش محبت به خدا

۱- پیروی از خداوند ← عمل به دستوراتش که توسط پیامبر ارسال شده است

(تولی) نشانه صداقت در دوستی / امام صادق (ع): «مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ»

" قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ "

پیامبر (ص)

- ۱- پیروی از رسول خدا عین پیروی از خداست = توحید عملی
- ۲- آیه در رد کسانی است که می‌گویند: قلب انسان با خدا باشد کافی است عمل به احکام ضروری نیست.
- ۳- بهره‌مندی از محبت خدا و آمرزش گناهان معلول پیروی از اوست

۲- دوستی با دوستان خدا ← لازم می‌گردد محبت خدا در دل ← لازم می‌گردد خانه کردن خدا در دل بیزاری از دشمنان خدا (تولی)

دوستان خدا:

۱. انبیاء و اولیای الهی
۲. مجاهدین راه حق
۳. آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت می‌کنند
۴. رسول خدا و اهل بیت ← برترین دوستان ← حدیث ثقلین، آیه تطهیر

۳- بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان ← عاشق روشنائی از تاریکی می‌گریزد (تبری)

جهاد در راه خدا ← برنامه اصلی همه پیامبران

نکته: رفتار مستکبران جز با مبارزه برطرف نمی‌شود.

" لا اله " → بیزاری از باطل → تبری = تولی ← دوستی با خدا ← الله الا

امام خمینی (ره): باید مسلمانان فضای سراسری عالم را از عشق و محبت نسبت به ذات حق (وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ) و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند. (لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ) تولی تبری

* امام سجاد (ع): خدایا!!!

- هر کس لذت دوستی ات را چشیده باشد ← غیر تو را اختیار نکند
- آن کس که با تو انس گیرد ← لحظه‌ای از تو روی گردان نشود
- دوست داشتنت را از خودت خواهانم

اندیشه و تحقیق

چگونه می‌توان دریافت که در دوستی با خدا و دشمنی با بدی‌ها صادق هستیم؟ نشانه دوستی با خدا، غیر از پیروی خدا، ابراز بیزاری و حتی مبارزه با دشمنان خداست. با دشمنان خدا دوست نباشیم. بیزاری خود را به آن‌ها نشان دهیم. زیرا تولی، باید تبری را به همراه داشته باشد. پس کسی که دشمنان خدا را دوست دارد، دوست خدا نیست.

درس دهم: یاری از نماز و روزه

* انسان با عمل به احکام خداوند می‌تواند در مسیر عبودیت خداوند قدم بردارد.

* انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت آن‌ها را انجام دهد.

تقوا: - ثمره مشترک نماز و روزه - به معنای حفاظت و نگهداری

امام علی (ع):

- مَثَلُ انْصَانِ هَايَ بِي تَقْوَا ← مثل سوارکارانی که سوار بر اسب‌های چموش و سرکش‌اند.

- مَثَلُ انْصَانِ هَايَ بَاتَقْوَا ← مثل سوارکارانی که سوار بر اسب‌های راهور و رام‌اند.

نماز

ستون خیمه‌ی دین و نشانه وفاداری به عهد خود با خدا

عامل ورود اسلام به جامعه و خانواده

موجب می‌شود انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند

۱. تداوم ۲. میزان دقت توجه ← عوامل اثرگذاری نماز

"...وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ"

۲

۱

توحید عملی

۱- آثار نماز (به ترتیب): دوری از گناه - یاد خدا (ثمره‌ی مهم‌تر)

۲- اعلام آگاهی خداوند بر اعمال دنیوی انسان‌ها

* عوامل از بین برنده‌ی اثر نماز:

۱- ناراحت کردن پدر و مادر امام صادق (ع): فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند....

۲- غیبت کردن پیامبر (ص): «هر کس غیبت مسلمانی را کند تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمی‌شود، مگر آنکه غیبت شده او را ببخشد. نلته: اگر نماز ما را از گناه باز نرارد، اشکالی در آن است. امام صادق (ع): ... به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه شود، این نماز قبول شده است. * میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف، به میزان خود نگهداری و تقوای او بستگی دارد.

برخی از نجاسات عبارتند از:

- ۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.
- ۲ و ۳- ادرار و مدفوع انسان و حیوان های حرام گوشتی که خون جهنده دارند.
- ۴- مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.
- ۵ و ۶- سگ و خوک، زنده و مرده آنها نجس است.
- ۷- کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).
- ۸- شراب و هر مایع مستی آور، نجس است.

روزه } با آمدن ماه رمضان جوامع اسلامی حال و هوای معنوی پیدا می‌کنند
 { مصداق کامل‌ترین صبر و پایداری (تقوا)

" يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ "

- ۱- روزه فریضه‌ای واجب بر تمامی مؤمنان و ادیان الهی می‌باشد
- ۲- مهم‌ترین ثمره روزه تقوا و پرهیزگاری می‌باشد

احکام روزه

۱- باطل کننده‌ها ← نه چیز

خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح
 ۲- اگر کسی غسل یا تیمم بر او واجب است، نمی‌تواند روزه بگیرد و اگر عمداً در غسل کردن سهل انگاری کند تا وقت تنگ شود می‌تواند تیمم کند، اما بابت غسل نکردن معصیت کرده است.

۳- اگر به علت مریضی روزه نگیرد ← تا رمضان آینده باید قضای آن را بگیرد

اگر تا رمضان آینده نگیرد ← قضای هر روز + به ازای هر روز به یک فقیر، یک مدّ گندم یا جو و مانند آن ها را بدهد.

۴- عمداً روزه نگیرد: باید به ازای هر روز دو ماه، روزه یا ۶۰ فقیر را غذا بدهد (۶۰ مد) ← به کلمه یا رقت کن!!!

۵- با کاری حرام مثل دروغ به خدا و پیامبر روزه را باطل کند، به ازای هر روز کفاره جمع ← ۶۰ فقیر و دو ماه

نلته: در موارد ۴ و ۵، قضای روزه در کنار کفاره به قوت فوراً پابرجاست.

* وظیفه شخص مسافر: نماز باید شکسته خوانده شود و روزه نباید گرفته شود با شروط زیر:

- (الف) رفتن او کمتر از ۴ فرسخ شرعی (حد ترخص) و مجموعه رفت و برگشت او کمتر از ۸ فرسخ نباشد
- (ب) بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر نکرده بماند ← جایی که ده یا بیشتر می‌مانیم عین وطن است و مسافر نیستیم
- (ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد مثال: بدون اجازه ی پدر و مادر به مسافرت رفتن !!!

اما اگر:

- ۱- به وطن خود یا جایی که می‌خواهد } پیش از ظهر برسد } اگر کاری که روزه اش را باطل کند انجام نداده است، باید روزه بگیرد
 { اگر انجام داده است، نباید روزه بگیرد }
 ۱۰ روز یا بیشتر بماند
- ۲- روزه گرفته باشد } بعد از ظهر مسافرت کند ← باید روزه آن روز را بگیرد.
 { بعد از ظهر مسافرت کند ← بعد از اینکه به ۴ فرسخ شرعی (حد ترخص) رسید، روزه اش را افطار کند

درس یازدهم: فضیلت آراستگی

مرتب و منظم کردن خود و بهتر کردن وضع ظاهری یا باطنی
 انسان به طور طبیعی به آن علاقه دارد ← گرایش فطری
 عامل تحسین انسان توسط دیگران
 * آراستگی
 جنبه‌ها } باطنی ← زیبایی‌های اخلاقی همچون ادب، سخاوت، حسن خلق
 ظاهری ← آراستگی از اخلاق مؤمن است

* آراستگی سیره‌ی پیشوایان دین

رسول خدا (ص) به هنگام ملاقات دیگران:

- خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده‌اش به سوی دوستان خود می‌رود آماده و آراسته باشد.

امام صادق (ع):

- در زمان پیامبر (ص) مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند ← در جواب مدعیان

زهد و پرهیز

- خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن بدش می‌آید.

- دو رکعت نماز با بوی خوش بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.

* توصیه‌های پیشوایان در مورد آراستگی

* پیامبر (ص):

- سیبل و موهای بینی خود را کوتاه کنید ← این کار بر زیبایی شما می‌افزاید.

- مردان ناخن خود را کوتاه و زنان مقداری بلند کنند ← بر زیبایی آن‌ها می‌افزاید.

نکته: این شیوه رسول فرا (علت) سبب شر مسلمانان

۱. آراسته‌ترین و پاکیزه‌ترین ملت‌ها شوند

۲. الگو و سرمشق ملت‌های دیگر شوند

* مکان‌های حفظ آراستگی: ۱- اجتماعات و معاشرت ۲- خانواده ۳- عبادت (مهم‌ترین مکان)

موجب شکوفا کردن توانایی‌ها و استعدادها می‌شود

* مقبولیت دوران نوجوانی و جوانی نیاز به آن بیشتر می‌شود

رسیدن به آن از راه‌های نادرست ← نشانه‌ی ضعف روحی و ناتوانی در اثبات خود است

عفاف ← حالتی در انسان که موجب کنترل انسان در برابر تندروی‌ها و کندروی‌ها و حرکت در مسیر اعتدال و میانه‌روی می‌شود.

* رابطه‌ی عفاف با آراستگی و مقبولیت

- یکی از جلوه‌های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است.

تندروی در آراستگی و ابراز وجود و مقبولیت

- تبرج } قرآن کریم دچار شدگان به آن را جاهل می‌خواند

نتیجه: غفلت از هدف اصلی زندگی

- مقبولیت را از راه جلب ظاهری و خود را ابزاری برای هوسرانی دیگران کردن، به دست نمی‌آورد

باوقار شدن پوشش = عفاف

- امام علی (ع): مبدا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار می‌شوی با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی.

معلول

علت

- امام صادق (ع): لباس نازک و بدن نما نپوشید، زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دین است.

* دلایل ضرورت رعایت عفاف در زنان

۱- زن، مظهر جمال خلقت است ← زیبایی باطنی و ظاهری او پشتوانه مهم برای ازدواج و تحکیم خانواده است.

۲- زن کانون عفاف خانواده است.

نکته: عرضه نابهای زیبایی، به پای گرمی بفشیرن به کانون خانواده عفت و هیا را از بین می‌برد.

درس دوازدهم: زیبایی پوشیدگی

دستورات قرآن کریم حول عفاف و حجاب:

- (الف) خودداری مردان از نگاه به زنان نامحرم
 (ب) خودداری زنان از نگاه به مردان نامحرم
 (ج) استفاده زنان از زینت و زیورات نباید موجب جلب توجه نامحرمان شود مگر قسمت‌هایی که آشکار است، مانند گردی صورت و دست‌ها تا مچ
 (د) پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را نیز بپوشاند. (کیفیت حجاب)

نزدیک کردن پوشش‌ها به خود برای زنان بهتر است

* حدود و نتیجه‌ی حجاب از نظر قرآن کریم:

"يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَ أُولَئِكَ يَدْعُونَكَ وَيُنَادُونَكَ وَيُؤْتُونَكَ مِنَ الْمَالِ الْفَحْشَىٰ وَالْمُنْكَرِ ۚ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ الْمُنْفَرَاتَ عَلَىٰ مَا سَمِعْتُم مِّنَ الْجَاهِلِيَّةِ ۚ وَبَدَّ عِفْفًا وَإِن تَرَوْهُ فَقَدْ جَاءَ بِكُم بِإِثْمٍ ۚ وَاللَّهُ عَظِيمٌ" (سوره نساء: ۵۹)

۱- زنان مسلمان از ابتدا موی سر خود را می‌پوشاندند ولی با حدود آن آشنا نبودند لذا خداوند به آنان دستور می‌دهد که پوشش‌هایشان را به خود نزدیک کنند تا اطراف صورت و گریبان آنان نیز پوشیده شود.

۲- دلیل: زن به عفاف و پاک‌ی شناخته شود و مورد تعرض افراد بی‌بند و بار قرار نگیرد.

نکته: آداب و رسوم نموه و شکل پوشش و قرآن هرود و علیت آن را تعیین کرده است.

* حدود پوشش در کلام پیشوایان

- امام کاظم در جواب برادرش که دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است: «چهره و دست‌ها تا مچ» ← بند ج

- امام صادق در جواب فضیل بن سيار: «آنچه زیر روسری است باید از نامحرم پوشانده بماند، همچنین از مچ به بالا باید پوشیده شود» ← بند ج

* حدود پوشش در اسلام

مردان ← پوشش آنها } وقار و احترام آنها حفظ شود
 با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد
 آنان را نزد مردم انگشت نما نکند
 وسیله جلب زنان نشود

≠ پوشش حرام

تمام بدن خود را، به جز صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم بپوشانند.

زنان

پوشش آنها نباید چسبان و تحریک کننده باشد.

نکته: انجام این وظایف هرچه کامل‌تر باشد:

۱. نزد خدا با ارزش‌تر ۲. آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون‌تر ۳. فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتر می‌رساند

* دلایل رد ادعای سلب آزادی زنان به خاطر حجاب:

۱- حجاب چگونگی پوشش زن در اجتماع را مشخص می‌کند ← موجب حضور مطمئن و امن زن در جامعه می‌شود

۲- ادعای خانه نشین کردن زنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین ناسازگار است.

نکته ۱: قانون هجاب موجب می‌شود که:

- سلامت اخلاقی جامعه بالا رود - هریم و حرمت زنان حفظ شود.

- آرامش روانی وی افزایش یابد

نکته ۲: پوشش و هجاب در ایران باستان پنهان برهسته بود که برقی مورقان غربی بر این باورند که ایران باستان منشأ اصلی گسترش هجاب در جهان بوده است.

نکته ۳: تفاوت هجاب در میان ملت مربوط به پگونگی و هرود آن بوده است.

اندیشه و تحقیق

با اینکه پوشش بدن و حتی موی سر در دین حضرت مسیح (ع) یک امر پسندیده است، برخی جوامع نسبت به این موضوع بی‌توجه‌اند. به نظر شما علت آن چیست؟ متأسفانه این جوامع به سنت‌های مشرکانه پیش از حضرت مسیح برگشته‌اند و امروزه بی‌بند و باری در غرب رواج می‌شود؛ زیرا آن‌ها حجاب را مانع کار و فعالیت اجتماعی دانسته و این تصور را دارند که زنان نمی‌توانند در جامعه حضور فعال داشته باشند؛ در صورتی که نه تنها این چنین نیست، بلکه حضور آن‌ها با حجاب، فعال‌تر و سازنده‌تر خواهد شد. با تحریف دین مسیح، حجاب جایگاه قبل را میان مسیحیان ندارد در صورتی که با آمدن مسیح، پوشش گسترش یافته بود.